

نویسنده: ویجی پراشاد (Vijay Prashad) .
منبع و تاریخ نشر: کونترپانچ «11-12-2019» .
برگردن: پوهند وی دوکتور سید حسام «مل» .

چرا روزنامه های افغانستان در پی یا داوری خاطرات رعب اور ویتنام هستند؟

why the Afghan papers are an Eerie reminder of
Vietnam



منبع عکس: جابیل اهرام CC. BY 2.0

نوام چامسکی اخیراً تولد (91) سالگی خود را جشن گرفت، من به رسم ادای احترام به **نوام** روز را با یکی از کتاب های کمتر شناخته شده اش بنا م (-the boys backroom 1973) گذراندم؛ این کتاب از دو مقاله دیدنی و خواندنی قابل توجه ساخته شده است یا که این دو مقاله در این کتاب منتشر شده است؛ اولین مقاله به ارتباط مقالات در مورد پنتاگون است که با خواندن این کتاب با اسناد منتشر شده توسط ایالات متحده در مورد جنگ جاری آمریکا در افغانستان برمیخوریم که هر دو مقاله مربوطه به پنتاگون درباره ویتنام و افشای اخیر اسنادی را توسط واشنگتن پست درباره افغانستان نشان میدهد. که دولت آمریکا در مورد جنگی که هرگز نتوانسته است پیروز شود؛ به شهروندان خود دروغ گفته

است؛ اگر کلمه افغانستان را به جای کلمه «ویتنام» جاگزین کنید میتوانید مقاله های نوام (Noam) را از سال (1973) بخوانید و تصور کنید که آنها یعنی آن مقالات امروز نوشته شده است.

شمارش اجساد:

در روزنامه های منتشر شده افغانستان یک نقل قول وجود داشت که توجه من را بخود جلب و متوقف ساخت از اینکه این مطلب را گویا که تقریباً قبل در روزنامه های پنتاگون خوانده بودم؛ در سال (2015) یک مقام رسمی شورای امنیت ملی گفت: ایجاد معیار های خوب غیرممکن است؛ ما سعی کردیم از تعداد سربازان آموزش دیده سطح خشونت را بکاهیم و برای کنترل مناطق سربازان را جابجا کنیم که البته این تصویرهای ما هرگز دقیقاً نقاشی نشد و آنهم با توجه به ویتنام، فرماندهی کمک های نظامی ویتنام (MACV) «شمارش اجساد»؛ تعداد کشته شدگان ویتنامی را «بعنوان یک معیار پیروزی قریب الوقوع پنداشتند که البته این موضوع هم در مقاله های پنتاگون وهم در مقالات موجود در کتاب خانه جانسون واقع در (Austin Texas) قابل دسترس است؛ یک سرباز که در فرماندهی نظامی ویتنام (Military Assistance Command, Vietnam=MACV) کار میکرد؛ غالباً با جنرال ها برای مشاهده از میدان های نبرد همراه میشد و یاکه به مشایعت جنرال ها به میدان های جنگ میرفت که سخنان و گفته های آن سرباز را **توشیو ولچل** (Toshio Whelchel) جمع آوری کرده که ارزش خواندن را دارد. در این گفته ها آمده است: هنگامیکه پس از یورش (B-52) به منطقه ای پرواز کردیم؛ نظر ما به ویرانی فوق العاده وسیع معطوف گردید که در آن مخروبه کیسه های (خریطة های) زیاد پلاستیکی قرار داشت که البته کارمندان ما ظاهراً اجساد کشته شده دشمن را شمارش میکردند و بعداً قطعات بدن مرده ها را در بین این خریطه ها بعنوان قتل واحد جابجا میکردند؛ آنها چیزی بودند یا که این خریطه ها را بعنوان یک میتریک (یا بگونه استناد دارد برای اندازه گیری و ارزیابی یک رقم و یا آمار) به مردم فروختند تا که بتوانند جنگ را بخوبی ارزیابی کنند. و یا که نشان دهند که جنگ در ویتنام چگونه به جلو میرود.

ناپالم:

مقاله **نوام چامسکی** در مورد مقالات پنتاگون با سخنان یک پیلوت نیروهای هوایی ایالات متحده آغاز میشود؛ از اینکه او «نقاط خوب و بهتر فروش» ناپالم را توضیح میدهد؛ البته که چندین نسل خاصی دقیقاً میدانند و یا که میدانستند «ناپالم» چیست؟ اما خوانندگان

نسل جوان شاید از آن «ناپالم» چندان آگاهی نداشته باشند؛ **ناپالم** یکی از مخوفترین و مخفیترین سلاح‌های است که تا کنون ساخته شده است. بنزین نفتی با ژل (Gel) است که با چسبیدن آن در جلد انسان؛ جلد را کاملاً می‌سوزاند که البته از این ماده و یا سلاح شیمیایی با شوخی بسیار خوبی علیه مردم کره و ویتنام استفاده میشد و یا که استفاده شده است.

خلبانی که «ناپالم» بروی افراد غیر نظامی انداخته است چنین میگوید: ما مطمئناً از بچه‌های پشت اتاق (Backroom Boys) در **دو» Dow** [شیمیایی] خوشحالیم محصول اصلی آنقدر داغ نبود اگر **گوکس** (Gooks = ما ده مرطوب چسپناک) به اندازه کافی سریع بود؛ میتوانستند که آن را از بین ببرند؛ بنا بر این پسران (Backroom Boys) شروع با اضافه کردن **پولیسترین** (polystyrene) کردند که اکنون ما نند مد فوع «گو» به بلاتکلیف (پتو) می‌چسبید یا که التصاق مینماید تا جاییکه حتی پوست بدن انسان را در زیر آب نیز می‌سوزاند.

خواندن و یاد دقت کردن بروی این جملات نیاز به تحمل و شکلیایی دارد؛ خلبان در مورد ویتنامی‌ها صحبت میکند و او در صحبت‌های خود از اصطلاح **گوکس** (gooks = افزون بر مفهوم ماده چسبنده؛ **گوک** واژه‌ای کره‌ای است که به عنوان عامیانه بد زبان مردم آسیا استفاده می‌شود. معنی اصلی این ترجمه به «افراد» است. آمریکایی‌ها به **Mi-gook** معروف هستند، کره‌ای‌ها **هان‌گوک** و غیره هستند. کلمه **گوک** احتمالاً در دوران جنگ کره به **GI** (سرباز شخصی در اردوی آمریکا) آمریکا بی‌آموخته شده بود، که استفاده ده از آن را منع کرد. دوباره ظاهر شد و توسط «**GI**» که بعداً در **VietNam** جنگید مورد استفاده قرار گرفت. این همچنان به عنوان یک کلمه رایج، غیرمنعطف در کره و به عنوان یک زبان عامیانه در سایر نقاط جهان استفاده می‌شود... **تفسیر از این قلم**) استفاده میکند و به نظر میرسد که ریشه‌ای آن در حمله ایالات متحده به فلیپین در سال (1898) بوده است و سپس از آن در اشاره به **هایتی‌ها** (Haitians) و **نیکاراگویی‌ها** (Nicaraguans) **کاستریکی‌ها** (Costa Ricans) و **عرب‌ها** (Arabs) استفاده شده است. چنین به نظر میرسد هر کسیکه در ارتش و نیروهای هوایی آمریکا کارمند باشد بکاربرد این اصطلاح برای توصیف «بومیان» بکار میرود؛ افرادی که اجساد آنها فقط ارزش کارهایی را که میتوانند برای «اربابان» انجام دهند بکار می‌برد. این واژگان است که از بین نمی‌رود و دوباره در افغانستان ظاهر میشود.

شگفت‌آور اینکه: خلبان هواپیمایی مسافربری می‌گوید: دوست دارد این سلاح بیشتر

کشنده تر باشد؛ احتمال اینکه غیرنظامیان بتوانند خود را بی اثر بنگرند و یا که خود را بی‌غرض و خنثی تلقی کنند.

جنگ های آزادیبخش ملی:

در اتاق های عقبی (backrooms) دانشمندان سلاح ها را تهیه میکنند و یا تدارک می بینند و تحلیلگران درباره جنگ به بحث و مذاکره می پردازند؛ و اما آنچه که در مورد کاغذها و یا اوراق و اسناد پنتاگون بسیار حیرت انگیز بود؛ این بود که کل نهاد می دانست که ایالات متحده قادر نخواهد بود که مردم ویتنام را در این جنگ شکست دهد حتی که اگر از بکار بردن سلاح های بسیار مدتها و کوشنده ای خود اعم از ناپالم و عامل نارجی هم دریغ نکند. چونکه ویتنامی ها هرگز روحیه خود را از دست نخواهند داد.

در سال (1967) مدیر بخش تحلیل و تجزیه امریکا در پنتاگون هشت سال قبل از ترک وکنار گذاشتن ویتنام نوشت: «من فکر میکنم که ما در مقابل دشمنی قرار داریم که این دشمن شاید یک استراتژی هوشمندانه ای خطرناک برای قلع و قمع و یا لیسیدن ایالات متحده پیدا کرده باشد و ما تا آنکه آن استراتژی را بشناسیم و با آن مقابله کنیم ممکن است که این استراتژی در آینده بسیار رایج شود. وی به جنگ های رها بیخس ملی اشاره کرد و گفت: آنها تا کتیک های چریکی نبود که ناگذاز بین بروند؛ آزادی ملی خود دور از سوال نبود بلکه بیرون از ذهن نبود بلکه این خود پیش فرض اساسی بود که چرا دولت ایالات متحده به عموم مردم دروغ میگوید این جنگ بود که نتوانست در آن پیروز شود زیرا طرف مقابل آن؛ مردم ویتنامی بودند که به مبارزه خود و به موفقیت خود اعتقاد داشتند و تا بیروزی خود مصمم بودند که از مبارزه دست نکشند.

افغانستان هیچ ارتش آزادی سازی و یا رها بیخس ملی در هیچ کجایی **کا لیبرویت مین** (caliber of the Viet Minh) عضو یک جنبش ناسیونالیستی تحت سلطه کمونیست؛ که در سال «1941» شکل گرفت، برای استقلال ویتنامی از حکومت فرانسه جنگید. اعضای Vietminh بعداً با Vietcong پیوستند..... **تفصیل توسط این قلم** ندارد. بلکه طالبانی را دارد که وحشیگری آنها ناشی از جنگ های دهه های گذشته جنگ سالاران بود که به آنها به ارث مانده است؛ بهر صورت از زمین به سمت بالا؛ طالبان هر چند رویهمرفته که وحشی اگر هم بوده اند؛ حداقل بعنوان نیرویی علیه یک مهاجم بیگانه ظاهر می شود که جنگ نامتقارن هیچ کاری برای بالا بردن اعتماد مردم نمیکند؛ طالبان قول یا تعهد اصلاحات ارضی یا رهایی اجتماعی را نمیدهند؛ اما آنها در کنار بقیه مردم غیرنظامی ها زندگی میکنند و می میرند. این همان چیزی است که آنها را در نزد مردم از پهباد (هواپیمای

بدون سرنشین) و نیروهای ویژه و حتی ارتش ملی افغانستان محبوب تر میکند «استراتژی خطرناک با هوش» طالبان این است که ریشه در میان برادران افغان خود دارند که هیچ حمله بمبی ای نمیتواند این پیوند را از هم بکسلاند.

بدون تعجب:

از زمان تاسیس یا ایجاد دفتر بازرسی ویژه ای با زسازی برای افغانستان بنا می‌شود **سیگار** در سال (2008) توسط دولت ایالات متحده؛ من تمام گزارشها و کارکردهای این اداره را خوانده و از اکثر کارمندان آن اداره اطلاعاتی بدست آورده ام یعنی از آنهایی که بسیار افراد شایسته بوده اند و برای آنها کاملاً روشن بود که این جنگ علیه افغانستان یک جنگ فریبکارانه بود که ایالات متحده قصد دارد این کشور فقیر را ویران کند و سپس آن را ترک کند؛ زیرا نمیتوانست به این هدف خود برسد آنچنانیکه تعریف نکرده بود.

هیچ چیز در اسناد سیگار که اخیراً منتشر شده است برای من و همکارانم شگفت انگیز نبوده و یا که ما را متعجب نساخته است از اینیکه ما این چیزها را از سالها قبل توسط مقامات رسمی افغانستان و از منابع اطلاعاتی و نظامی غرب شنیده بودیم این اظهار نظرها گزارشهایی را که ما درباره جنگ ایالات متحده در افغانستان ارائه داده بودیم آنرا خلاصه کرده است. با این وجود و یا به هر صورت باز هم این اسناد افشا شده قابل تمجید و استقبال است از اینیکه این اسناد مانند افشاگریهای **ویکی لیکس**؛ چراغی را بر عزلت دولت های ایالات متحده امریکا در رابطه با این جنگ ها علیه افغانستان و عراق می درخشاند و یا که روشن میکند.

سرهنگ «**باب کرولی**»، که مشاور ارشد ضد شورش فرماندهان ارتش آمریکا در سالهای (2013) و (2014) بود، به محققان و پژوهشگران (SIGAR) گفت: "هر کدام از داده ها برای ارائه بهترین تصویر ممکن تغییر یافته است. به عنوان مثال، نظرسنجی ها کاملاً غیرقابل اعتماد بودند، اما تأکید می کردند که همه کارهایی که می کردیم درست است و ما به لیس زدن آیس کریم مخروطی شکل در دست داشته ای خود مصروف بودیم؛ **کرولی** حقیقت را چنین میگوید: "این موضوع به ندرت در واشنگتن، D.C نیز مورد استقبال قرار گرفت. دولت آمریکا برای توجیه جنگ خود در افغانستان دروغ گفت. به داده ها قابل اعتماد نیست. حرف مقامات نباید جدی گرفته شود."

در اوایل سال (2003)، یک تحلیلگر سیا (سی آی ای) به من گفت که در افغانستان هیچ دستاوردهای ارضی حاصل نشده است. پس از بمباران، و پس از آنکه سربازان وارد

زمین شدند تا زمین را "تصرف و نگه دارند"، آنها پیدا کردند که به پایگاههای خود در حال عقب نشینی بعد از، ترک ویرانگری و تماشای مجدد طالبان برای گرفتن قدرت بودند. در «18 سال از زمان آغاز جنگ هیچ دستاوردی حاصل نشده است».

سکوت افغان ها

گزارش از این اسناد هیچ چیزی از طرف افغانستان ندارد. خشم صرفاً این است: شهروندان ایالات متحده از همان آغاز به این جنگ دروغ گفته اند که زیاده بود. نیویورک تایمز - با استفاده از برآوردهای پروژه هزینه جنگ پوهنتون براون (Brown) - صفحه ای کامل از گرافیک ها را برای جدا کردن معیارها و صحبت در مورد هدر رفتن این جنگ در اختیار داشت. اینها همه واقعیت های غیرقابل انکار هستند.

اما در مورد افغان ها، که زندگی آنها ویران شده است، آرزوهایشان به خاکستر کاهش می یابد؟

مطبوعات ایالات متحده می گوید دولت های بوش، اوباما و ترامپ به عموم ایالات متحده دروغ می گویند. اما این همه اش نیست. در مورد جنایات جنگی علیه مردم افغانستان چه می توان گفت، و واقعیت این است که این کل عملیات - بدون هیچ هدف مشخص جنگ - جنایتی فاجعه بار علیه مردم افغانستان است؟

دولت آمریکا همچنان به دادگاه جنایی بین المللی فشار می آورد و از اجازه تحقق تحقیقات در زمینه جنایات جنگی در افغانستان امتناع می ورزد. حداقل و به نمایندگی از میلیون ها افغانی که جانشان فرسوده شده است، کسی باید در لنگرگاه بایستد، کسی باید مسئولیت این کار را انجام دهد. آنها به دنبال جنگ غیرقانونی در ویتنام و کامبوج نبودند. آنها برای این جنگ نمی خواهند، و به همین دلیل - چون مصونیت از مجازات دارند - جنگ دیگری صورت خواهد گرفت. و یا جنگی را براه خواهند انداخت.

کتاب **چا مسکی** از سال (1973) هشدار می دهد. او با قاطعیت نوشت که جنگ آمریکا علیه ویتنام و دروغهایی که برای توجیه جنگ استفاده می شود، "انحراف دیوانه" نبودند. این هشدار جدی نگرفت. اکنون جدی گرفته نمی شود.

----- **با تقدیم سلام ها « 2019-12-13 »**

